

تعریف مزایع: ماده ۵۱۸ ق.م.ا.م. تعریف مزایع را گوید:

مزایع عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین زمین را برای مدت معینی به طرف دیگر (معدوم) که آن را زراعت کرده و حاصل را تقسیم کنند.

به اراده طرفین نیاز است عقد مزایع با اراده یک طرفین است مزایع عقدی است: یعنی توافق اراده دو طرف لازم دارد، طرفی که صاحب زمین را صاحب مزایع آن است و طرف دیگر که توانایی کار زراعت را دارد زمین را اختیار تقویم برای مدت معینی قرار می گیرد تا آن را زراعت نموده و حاصل را بر اساس سرمایه و کار تقسیم کنند.

مالک را مزایع و طرفین که زراعت می کنند عامل می گویند.

مزایع چون عقد لازم است در تمام خصوصیات و شرایط عقد صحیح را باید دلایل باشد و اگر آن شرایط نبود عقد مزایع باطل است.

شرایط عقود { محلی و عمومی: اهلیت، مشروعیت اجتهاد محمله، نوع اختصاصی: ختم مزایع می باشد.

عقد جایز هر یک از طرفین هر وقت سرانجام کند می تواند عقد را باطل کند

عقد لازم: در عقد لازم باید شرایط باطل شده عقد ایجا نشده باشد تا بتوان آن را باطل نمود

مزارعه علاوه بر شرایط کلی باید شرایط اختصاصی خود را
که شامل: مزارع، حاصل، معین بودن سهم مزارع و حاصل، صحت
مزارعه و نوع زراعت، در عقد معین شده باشد، را دارا باشد

شرایط خاص مزارع: ولی مقری: پدر

اولین رکن عقد مزارعه وجود مزارع یعنی اصحابی منافعه زمین است.
لازم نیست مزارع همأ مالک زمین هم باشد ولی مزارع باید مالک منافعه
آن زمین باشد. یا باغی و یا قصبه و یا ولایت و وصایت و تولیت
و وکالت و نظیر آن حق تصرف در آن را داشته باشد.

مالک یا کسی که زمین را در تصرف دارد و قائم مقام مالک است می تواند
طرف عقد مزارعه قرار گیرد اما کسی نمی تواند اراضی موات را که حق در آن
ندارد با عنوان مزارع، طرف عقد مزارعه واقع شود زیرا وضع مزارع و حاصل
در مورد اراضی موات یکسان است.

نوعیت زمین } دایر
 } بایر
موات: مثل مردابها - کویرها - باتلاقها - نمنا - نمنا - نمنا

یادداشت

یادداشت

صحت

عقد مزارعه

یعنی باید

مزارع

باشد و

برای زراعت

لبنین

مقرب و یا

شرایط

زمین که

زراعتی

در آن

شماره

زمین

مورد

و اوصاف

پرساس

باید به

یادداشت

دفعه دیگر باشد

هفته ۳۹

هفته ۳۹

شهادت حضرت امام زین العابدین علیه السلام (۹۵ هـ. ق) به روایتی / شهادت آیت ا... دستغیب سومین شهید محراب به دست منافقان (۱۳۶۰ هـ. ش) /

عقد مزرعه از جمله عقود است که نیاز به مدت دارد، یعنی باید تعیین باشد برای چه مدت زمین را فیتار حاصل قرار میگیرد، مدت باید متناسب با گشت مورد نظر باشد و الا هرگاه این متناسب رعایت نشود مثل آنکه اگر ۶ ماه یا بیشتر و زمین را برای زراعت گذرم تعیین شود آن عقد باطل است زیرا مقصود طرفین از تعیین وقتی حاصل نباشد و فی الواقع در مزرعه مدت تعیین نشود، عقد غرری و باطل است.

شرایط زمین موضوع مزرعه :

زمینی که در عقد مزرعه به حامل بقول داده میشود باید اولاً مستعد همان زراعتی باشد که در عقد مزرعه تعیین شده است، ولی اینکه اقدامات اصلاحی در آن لازم باشد، بنا بر این که اگر زمین برای گندمکاری میباشد و در آنجا برای زراعت مزرعه برای برنجکاری اختصاص یافت عقد باطل است زیرا زمین فاقد صفت مورد موضوع زراعت است. ثانیاً مقدار زمین مورد مزرعه هم باید تعیین باشد. خواه بوسیله مشاهده و یا ذکر مساحت و اوصاف.

بر اساس ماده ۱۱۹ ق.م.ا : در عقد مزرعه حصه هر یک از مزارع و حامل

باید به نحو اشاعی از قبیل ربع یا ثلث یا نصف و غیره تعیین گردد و اگر به نحو دیگر باشد احکام مزرعه جاری نخواهد بود

در
محدث
باشند

تا

میتواند
به دولت

می تواند

بقی در آن

ارغ و عامل

وزارت

مفسر این عقد لازم مزارع این است که هر کدام از مزارع

در قابل سهم مثنای از محصول داشته باشند، بنا بر این من توان

به شکل دیگری تقسیم بندی کرد. مثلاً گفت شود محصول آن زمین

مربوط به مالک و محصول قطعه شمالی مربوط به عامل باشد همچنین

من ندانم در عقد مزارع شرط کنند دو نوع محصول زراعت کنند که یکی

از آن اختصاص به مزارع دیگری از آن عامل باشد، زیرا این امور

با فلسفه عقد مزارع مطابقت ندارد و غالباً باعث غرض می شود.

غرض ← ضرورت بیان عامل

تعیین نوع زرع :

طبق ماده ۵۲۴ ق.م.م نوع زرع باید در عقد مزارع معین باشد مگر

اینکه بر حسب عرف بلد معلوم و یا عقد برای مطلق زراعت بوده باشد در

صورت اخیر عامل در انتخاب نوع زراعت مختار خواهد بود. با توجه به

سازمان حقوق در خصوص لزوم تعیین نوع زرع سه حالت ممکن است و این

آذر

پنجشنبه

۲۳

آذر

۱۳۹۱/۹/۲۳

۲۸ مهر ۱۴۳۴

13 Dec. 2012

۱- نفع زرع در عقد مشخصاً همین گمرد.
مثلاً گفته شود حاصل فقط به کشت برنج حلی یا گندم
عبادت نماید، که در این صورت باید که نفع کشت
در عقد اشکالی ندارد.

۲- نفع زرع در عقد مسکوت مانده.

ولی زراعت آن در منطقه اسماً برنج است در این صورت عدم تصریح
در عقد مشکلی ایجاد نمی کند چرا که عرف محل نفع کشت را تعیین نموده
و همان برنج است.

۳- عقد زراعت بر مطلق زراعت باشد:

یعنی برای طرفین نوع خاصی از کشت مطرح نباشد در این صورت

تعیین تکلیف به عمده عامل است در واقع مزایای اختیار انتخاب

نوع زراعت را به عامل واگذار کرده است.

لازم بودن عقد زراعت:

۲۴

آذر

۱۳۹۱/۹/۲۴

۲۹ مهر ۱۴۳۴

14 Dec. 2012

ماده ۵۲۵ ق ۴۰ مزارعت دارد به این که (عقد زراعت عقدی)

است لازم (عقد لازم است به طرفین عقد ثبات و دوام دارد)

یادداشت

هفته ۳۹

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

دنا برای این احکام عقود لازم بر مبنای عاری است، چون

عقد لازم با عوت و صدور در یک از طرفین عقد منقذ

من شود، مگر اینکه مباشرت عامل در زراعت شرط شده

باشد که با عوت یکی از طرفین عقد باطل می شود.

در این خصوص ماده ۵۲۹ ق.م.م.گ. می گوید عقود لازمی به ثبوت باطلین

یا ادا آنها باطل من شود مگر اینکه مباشرت عامل شرط شده باشد در

این صورت با عوت از منقذ می گردد.

دنا برای این در مطلق عقود لازمی که تصریح به مباشرت عامل در زراعت

نشده باشد با عوت عامل تفسیری حاصل می گردد و در آن مانع عام حاصل

می گردد.

عقد مساقات

مساقات یعنی: آبیاری درختان

مساقات به معنی آبیاری و سیراب کردن یکدیگر است.

ماده ۵۴۳ قانون مدنی می گوید مساقات معامله ای است که بین صاحب

درخت و امثال آن با عامل در مقابل حصه شمع از شیره واقع می شود

و شیره اهم است از میوه و برگ و گل و غیر آن.

یادداشت

یادداشت

هفته ۴۰	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
---------	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	---	---	---	---	---	---	---	---	---

روز پژوهش / روز تجلیل از شهید تندگویان /

مسابقات بخار سه نیت

غرس ← کاشتن درخت

در بخار سه نیت از درختکاری است در صورتی که در
مسابقات جهت آبیاری درختان است، عقد مسابقات شبه کابل
عقد وزارت است و به دلیل همین سهولت قانون مدنی مقررات مربوط
را در یک فصل آورده است، تفاوت مزایای با مسابقات در این است
که در وزارت به زمین برای وزارت در اختیار عاقل گذاشته می شود
ولی در مسابقات درختان طرحت جهت مراقبت و آبیاری و برداشت
نمره به عاقل داده می شود.

حکمت تأسیس این دو عقد آن است که عاقل با تلاش و سعی خود حاصل
و نمره بیشتری بدست می آورد.

یادداشت

هفته ۴۰

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

روز حمل و نقل و رانندگان /

iii

1291/9/27

۲ صفحہ ۱۴۳۴

17 Dec. 2012

مقدار مبيعات قبل مزایه فعلی من شود مگر به
سبب اقاله یا قسغ به علت قانونی و سایرین با قوت
در یک از مالک ~~و~~ کامل و در مقام صورت
خود خواهد بود اما اگر مبيعات قبله به مباشرت کامل

بِسْمِ، بِاَفْرِتِ او عَقْدِ بِاَعْلٰلِ مِ نَگَرِ دُو

سرایط خاص بعد جماعات : اقاله : نسخ قرار داد و عقد جاتوافق طرفین

مقرصات علاءہ برسرابط عمومی صحت حقوق (من اہلیہ طرفین، قصہ و

رضای آنها، صحت بودن موضوع ^{مقد} معامله و مشروع بودن جهت عقد در صحت

(تقریر) شرایط خاصی را باید داشت با اسم و این شرایط خاص همان شرایطی

است که در تاریخ ۱۳۰۵ هجری و در ماه ۵۴۵ قمری در قریب ۵۰۰ مترات

راجع به ضربه که در جهت قبل ذکر شده است. در مورد مقدار ساعات نیز

عربی خواهر بود (جریان) مگر اینکه عامل من تواند بدون اجازه مالک

معامله را به دیگری واگذار یا با دیگری شرکت ننماید.

بہ اسیہ ترتیب شرائط خاصہ عقد رسالت با یک اختلاف نیز می ہمار

شرایط ضروری است

یادداشت

1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26	27	28	29	30
ف. حقبة																													

ولادت حضرت امام محمد باقر علیہ السلام (۵۷ ق. ھ) (بہ روایتی) / شہادت آیت اللہ دکتر محمد عینچ (۱۳۵۸ ھ. ش) / روز وحدت حوزه و دانشگاه

شنبه



آذر

۱۳۹۱/۹/۲۸

۴ صفر ۱۴۳۴

18 Dec. 2012

۱- عامل نمی تواند محاطه یا عقد را به دیگر واگذار نماید
۲- عامل نمی تواند دیگری را در عقد شرکت دهد.

تفاوت شرایط فاص
عقد مساقات با مزایه

عقد مساقات

دلیل تفاوت

چون در مزایه عامل از صغر شروع می کند به فرارعت ولی در مساقات در فضائی وجود داشته که احتمال می رود توسط اشباه دیگری فسخ شده و از بین برود و خسارت بیشتری به مالک وارد می شود.

تکلیف منع یا بطلان مساقات . . . اجرت المثل : دست در مطابق عرف

ماده ۵۴۴ قانون مدنی در این باب با منع یا بطلان مساقات می گوید

(نیز مورد که مساقات باطل باشد یا منع شود تمام بهره مالک است

و عامل مستحق اجرت المثل خواهد بود) ملاحظه می شود در این مورد هم

بیت مزایه و مساقات اختلاف وجود دارد که ناشی از وضع خاص در وقت

است، که از ابتدای عقد وجود داشته و در اختیار عامل برای حواصلت قرار

نمیداداشگر قته و مثل ز راعت نیست که از طریق بکار گیری بذریعت عقد مزایه

تجدید آید

هفته ۴۰

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

تعریف و ارکان مضاربه

تعریف مضاربه: ماده ۶۷ قانون تجارت در تعریف مضاربه می گوید
 (مضاربه عقدی است که به موجب آن احدی متعاملین سرمایه را بدهد
 با قید اینکه طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشد.
 صاحب سرمایه، مالک و عامل، مضارب نامیده می شود)

مضارب به معنی سیر کردن در زمین آموخته است.

در عمل مالک، سرمایه خود را در اختیار شخص دیگری که مضارب است
 می گذارد، تا برای تجارت به نقاط مختلف سفر کند و سودی که بهش می رسد
 برابر سهمی که در عقد مقرر داشته اند تقسیم نمایند. مضارب به سهامت زیادی
 با مزاری و مساقات دارد، یک طرف سرمایه را می گذارد و طرف دیگر عملیات
 را انجام می دهد. در مزاری عملیات را امت و مساقات عملیات باغبانی و در
 مضارب عملیات تجارت است.

سود به صورت شصت تقسیم می شود در هر سه مورد $\frac{1}{3}$ و $\frac{1}{3}$ و $\frac{1}{3}$

۳۰

در مضارب سه رکن سرمایه، عمل تجارت و سود مورد بحث قرار می گیرد

آذر

۱۳۹۱/۹/۳۰

۶ صفر ۱۴۳۴

20 Dec. 2012

سرمایه: مانع است که برای امور تجاری مراقتار مضارب

قرار داده می شود. اولین رکن مضارب سرمایه است و بدون سرمایه مضارب قابل تحقق نیست. بر اساس ماده ۵۴۷ ق ۴۰ اولاً (سرمایه باید وجه نقد باشد) منظور از وجه نقد پول رایج کشور است بنا بر این دلار، دین، یورو، لیره و دیگر ارزها که پول رایج کشور نیست نمی تواند برای مضارب سرمایه باشد.

همچنین زمین و محارزه و اندوخته هم نمی تواند نام سرمایه در مضارب پیدا نماید و اگر چنین اموالی باشد اول باید تبدیل به پول رایج کشور شوند، هرگاه کسی نیز مانع گیری و قایل خود را در اختیار شخصی قرار دهد تا مانعی بگیرد و در آنجا میسر می شود طرفین شریک هم باشند قرار داد مضارب نیست، ممکن است بر طبق ماده ۱۰ ق ۴۰ برای طرفین لازم الی باشد.

دی

۱۳۹۱/۱۰/۱

۷ صفر ۱۴۳۴

21 Dec. 2012

ثانیاً سرمایه باید معین و معلوم باشد. معنای وجه نقد نهی تواند سرمایه معین و معلوم محسوب شود باید مشخص باشد دو میلیون، ده میلیون ریال و نقل و حرکت باشد.

ارداشت

هفته ۴۰

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

ولادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام (۱۲۸ هـ. ق.)

صحت سرمایه از شرایط اساسی عقد است حتی تواند در ذهن
طرفین وجود داشته باشد پس تواند رضا و جبهه سپرده مالک
باشد این رضا باید معلوم شود که چقدر است
حکم عمل تجاری

همانطور که در ماده ۵۴۶ آمده طرف عقد بین کامل یا مضارب باید
اقدامات تجاری را انجام دهد. اما آنی که در تقریب تجارت گنجانده نشده شود
نباید در مضارب به انجام گیرد. اگر با سرمایه عامل به زیر است بر داشت یا
املاکی خرید تا بعداً با قیمت افزاینده بفرود آید. مضارب به انجام شده
است زیرا آن اعمال زیرای تجارت است و نه معاملات اموال غیر منقول.
در عقد مضارب باید معلوم گردد عامل چه نوع تجارتی انجام خواهد داد،
تجارت داخلی است یا خارجی، در کجا کالا می خرد و در کجا می فروشد
و اصولاً کالای تجاری او چه خواهد بود، اتر میل، کشتی، گندم، جو، ماشین آلات
و نظایر آن می تواند کالای تجاری او باشد.

مزایم و منافع اموال غیر منقول تجاری حسب اینست شود در تجارت باید
سرعت - سرمایه در گردش باشد
اموال غیر منقول شریانی در دکه سرعت را کند کند



دی

۱۳۹۱/۱۰/۳

۹ صفر ۱۴۱۴

23 Dec 2012

سوم سود مرکب به خود سهام

در عقد مضارب باید جزو شمع مرکب از کل محبت باشد

رضف، ثلث، ربع، خمس

در این مورد ماده ۵۴۸ ق.م.م.گ. در خصوص یک لای

مالک و مضارب در منافع باید جزو شمع از کل، از قبیل ربع، ثلث و غیره باشد.

ممکن است در عقد حصه مرکب محبت نشود ولی در عرف متجزی معلوم باشد

که سهم مضارب چه مقدار است و فقط در این صورت است که سکوت در عقد

مضرب به آن من گردد زیرا انصراف در عقد به منزله تصریح در عقد است

(عدم اشاره به سهم مضارب در عقد مضارب و ارجاع به تعیین سهم مضارب به عرف به منزله اشاره صریح سهم مضارب در عقد مضارب است)

اگر در عقد تصریح نگردد که سهم مضارب و مالک چه قدر است و با تعیین مبلغ سهم

مضارب تعیین شود عقد را از عنوان مضارب به خارج می سازد.

با ابطال مضارب به عامل مستحق اجرت البطل عمل خود است. و سود بطلان

انحلال مضارب و کنار گذاشتن سرمایه محاسبه می گردد

یادداشت

هفته ۴۱

روز ثبت احوال

و ضایع مالک : مالک با عقد مضارب به بایع سرمایه وجه نقد را در اختیار مضارب قرار

دهد تا بتواند اعمال تجاری را به مورد اجرا گذارد.

در صورتی که در عقد مضارب به موت عین گسسته باشد هیچکدام از

طرفین نباید آن را به هم بزنند تا زمانی که موت باقی است.

در مضارب به ممکن است طرفین توافق کنند سرمایه نزد مالک بماند و مضارب برای

انجام معامله به عقد لازم (از او دریافت دادر یا حواله کند تا مالک

بپردازد.

و همچنین مضارب در چنان صورتی بدست آورده مالک رد کند

و ضایع مضارب :

۱- فعالیت در موت مضارب به : اگر در مضارب به برای تجارت مدت تعیین شده باشد

پس از انقضای مدت، مضارب نمی تواند معامله کند مگر با اجازه مجدد مالک

۲- فعالیت در مطلق بودن مضارب به : اگر مضارب به مطلق باشد یعنی تجارت خاص شرط

نشده باشد عامل می تواند هر قسم تجارتی را که صلاح بداند انجام دهد ولی در

نحوه تجارت باید متعارف را رعایت نماید.

یادداشت

۳۰ - نقد
گرد که
بایع به
محل خر
۴ - نیاز
طبق
مضارب به
در این
مالک
الف)
مضارب به
یعنی تخفیر
او خارج
مضمولی
ب) مورد
باشد مضارب
صور در
دهد که
مالک آن
در این صورت
چنین شکل

هفته ۴۱ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

هفته ۴۱ ۲۸ ۲۹ ۳۰

■ میلاد حضرت عیسی مسیح

۳- نسبت نوع فعالیت و روش آن؛ درگاه در عقد مضارب به محبت
گرد که مضارب چه نوع تجارتی را انجام دهد متنا تجارت داخلی،
باید به همان اکتفا نماید اگر نوع مال التجاره هم مشخص بود
مثل خرید و فروش یا چه باید به همان نوع بپردازد.

۴- نیاز به موافقت مالک در توسعه فعالیت؛

طبق ماده ۵۵۴ ق.م.ا (مضارب نمی تواند نسبت به همان سرمایه یا دیگری
مضارب کند یا آن را به غیر واگذارد مگر با اجازه مالک)

در این ماده دو نوع ممنوعیت برای مضارب برقرار شده که در دو مورد اجازه
مالک ممنوعیت را از بین می برد.

الف) ممنوعیت مضارب با همان سرمایه یا دیگری؛ درگاه مضارب مطلق بود
مضارب نمی تواند درون اجازه مالک عقد مضارب دیگری با همان سرمایه منعقد کند.
یعنی شخص سود را بر روی تجارت حاصل قرار دهد، زیرا چنین اقدامی از حدود اختیارات
او خارج است. هرگاه با وجود ممنوعیت یا دیگری عقد مضارب منعقد کند، عقد مذکور
فصولی است.

ب) ممنوعیت واگذار نمودن مضارب به دیگری؛ حیثاً آنچه عقد مضارب مطلق
باشد مضارب از واگذاری مضارب به دیگری ممنوع است زیرا شخص او
صور در نظر مالک بوده است. اما هرگاه مالک با صراحت به مضاربت اذن
دهد که مضارب را به دیگری منتقل کند یا اگر پس از واگذاری مضارب به دیگری
مالک آن عقد فصولی را اجازه دهد عقد مضارب دوم صحیح خواهد بود.

در این صورت با انعقاد مضارب دوم عقد مضارب اول منقضی گردد و بالا فرود
چنین شکلی سود حاصل از مضارب به بین مالک و مضارب دوم تقسیم می گردد.

۵- اما انتداری مضارب:

۶

دی

۱۳۹۱/۱۰/۶

۱۲ خرداد ۱۴۳۴

26 Dec. 2012

بر طبق ماده ۶۵۵ قانون مدنی: (مضارب در حکم امین است و ضامن

مال مضارب به نفع خود مگر در صورت تعوی و تفریط) مضارب نسبت

به آنچه از وجوه نقد و غیره مربوط به مضارب در دست او است در حکم

امین است و ضامن مال مضارب به نفع باسند مگر در صورت اثبات

تعوی یا تفریط . چنانچه در ضمیمه عقد مضارب به شرط شود که مضارب ضامن سرمایه

خواهد بود در یا مضاربات حاصل از تجارت مقوله مالک نخواهد شد ، عقد

مضارب باطل می شود ، زیرا شرط حکم بر خلاف مقتضای عقود مضارب است.

۶- فعالیت مضارب بر ابر عرق و توافق:

طبق ماده ۵۵۵ قانون مدنی (مضارب باید ^{اعمالی} را که برای نوع تجارت

تعارف و جعل بلد و زمان است بجا آورد ولی اگر اعمالی را که بر طبق عرف

بایست به ابر عرق کند خود شخصاً انجام دهد مستحق اجرت آن نخواهد بود) با توجه

به ماده فوق و مواد قبل باید توجه کرد که اولاً: مضارب باید به چهار ترتیب

و شیوه که در عقد توافق شده تجارت را انجام بدهد اگر در عقد تمام عملیات به عهده

سفوف مضارب گذاشت سانه دیگر نمی تواند ابر بگیرد ثانیاً در صورت جلق

چون در عقد یا در صورتی که عقد مضارب مطلق باشد باید عرف شهری که تجارت در

آن انجام می شود ملاک عمل باشد ، انما را که بطور متعارف آن زمان

مضارب باید انجام بدهد شخصاً بجا آورد و در صورتی که بر اساس عرف

یادداشت

آن

اقدام

کند،

بدون

مداد

مداد

ه

۱- در صورت

۲- در صورت

۳- در صورت

۴- در صورت

۱- انشعاب

عقد مضارب

عقد مضارب

عقد مضارب

ماده ۵۵۵

در صورت

مضارب

مالک

و با خود

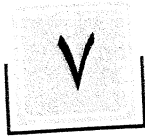
عقد مضارب

هفته ۲۱

وصول

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	هفته ۲۱
---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	---------

پنجشنبه



دی

۱۳۹۱/۱۰/۷

۱۳ صفر ۱۴۳۴

27 Dec. 2012

آن احوال ابریر باید انجام دهد یا بدینست به استخدام ابریر
اقدام کند و در این مورد ابریر بگردد و هزینه آن را پرداخت
کند، زیرا حق ارفا بودن امری عرفی و عادت بطوریکه عقد
بدون تصریح هم صحف آن باشد، به منزله ذکر در عقد است.

~~مورد انقضاء عقد مضاربه~~
مالک → دستزد ابریر

مورد انقضاء عقد مضاربه

- ۱- در صورت غفلت یا بیخود سفه در یک طرفین
- ۲- در صورت بطلان ضمان مالک
- ۳- در صورت تلف سرمایه و ربح آن
- ۴- در صورت عدم امکان تجارتی که متقارن طرفین بوده است.

■ سالروز تشکیل نهضت سوادآموزی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) (۱۳۵۸ هـ. ش) / شهادت آیت ا. حسین غفاری به دست مأموران ستم شاهی پهلوی (۱۳۵۳ هـ. ش) /

۱- انقضاء مضاربه با فوت یا غفلت یا سفه در یک طرفین، ~~مثله~~ جمعه
عقد مضاربه از عقود پاییز است و طبق ماده ۹۵۴ ق.م.آ (انعام



دی

۱۳۹۱/۱۰/۸

۱۴ صفر ۱۴۳۴

28 Dec. 2012

عقود پاییز با فوت فوت یا غفلت یا سفه در یک طرفین فسخ می گردد
ماده ۹۵۵ قانون مدنی هم بر این موضوع تأکید دارد و دلیل انقضاء

در صورت فوت مضارب آن است که اذن در تصرف در سرمایه به شخص
مضارب داده شده و با فوت او اذن قبلی منقضی گردد، در صورت فوت

مالک این است که شخص مالک با عقد مضاربه اذن در تصرف در سرمایه دادن
و با فوت او سرمایه به وراثت منتقل می گردد و اذن منتفی است، برای اداره
عمل مضارب وراثت می تواند عقد مضاربه جدیدی منعقد نماید و این عقد

فصلی به وسیله اجازت و در ۹۰ عقد مضاربه را برای زمان بعد از فوت تنفیذ نمایند،
هفته ۲۱

شنبه

۹

دی

۱۳۹۱/۱۰/۹

۱۵ خرداد ۱۳۹۱

29 Dec. 2012

زیرا در حیات مالک ورثه هیچ ارتباطی با سرمایه نداشته اند.
 مورد مهم از اینک دانش باسره یا ادواری در هر یک از مالک و
 مضارب موجب انقضاء عقد مضارب است و تفاوتی ندارد که مدت
 چقدر ادواری کوتاه یا طولانی باشد.

منع مضارب با تلف سکره تمام سرمایه

سرمایه در عقد مضارب از اربابان است چنانچه به هر علتی سرمایه و سود است
 آمده از بیع برود و دیگر امکان ادایه مضارب نیست و عقد منحل می شود.
 سرمایه و سود به وفات مختلف ممکن است نابود شود، مثل اینکه کشتی غرق
 شود، آتش سوزی رخ دهد، همه سرمایه به صورت پول نقد در آید و تمام
 دیون به سرفقت رود، و یا تمام طلبها سوخت گردد، و حتی مالی بماند مضارب
 خود به خود منحل می شود. با نبرده سرمایه مضارب نیز ترانده به اعتبار مالک
 یا به اعتبار خود مضارب را ادایه دهد، هرگاه مضارب به حساب مالک
 معامله انجام بدهد معامله فضولی است و هرگاه به حساب خود معامله
 کند، سود و زیان مستمرا به خود اوست و به عقد مضارب منحل نمی شود
 ارتباطی ندارند.

یادداشت

یادداشت

هفته ۴۲

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ هفته ۴۲

روز بصیرت و میناق امت با ولایت

دوشنبه

۱۱

دی

۱۳۹۱/۱۰/۱۱

۱۷ خرداد ۱۴۳۰

31 Dec. 2012

کامرو افراد در حساب کوتاه مدت را بلند مدت بول، راستین
بازگ امر نمایند و در این مورد بانک وکالت دلمرد تا
از طرف سپرده گذار از طریق محالاتی مثل ضمانت پول
رایه عنوان سرمایه به کار اندازند، در این حاکمان سپرده
در سود حاصله شرکت کند و بانک تضمین می کند که در صدی را به صاحب پول
پرداخت کند مثلاً ۱۷ درصد سود به صاحبان سپرده پرداخت نماید،
اگر سود بیشتر از پرداختی بانک بود، صاحب سرمایه سهم لازم را خواهد
داشت.

حساب طرف ثالث }
حساب جاری } حساب
حساب سپرده }

یادداشت

حق و
یک از
حقوق
عمومی
اعمال
مربوط
است
حجت
تعیین
آن یکی
می دهد
می باشد
(مردک) و
است
و به هر فن
طالب
نویسنده

هفته ۴۲
■ آغاز سال ۲۰۱۳ میلادی

هفته ۴۲ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

یکی از عقود بسیار رایج عقد وکالت است. بحث وکالت علاوه بر

حقوق مدنی از حیث ماهیت مهم آیین دادرسی مدنی و هم حقوق

عمومی و حقوق اساسی است. قانون و مقررات وکالت بر

اعمال نقه سه بیان داشته است و بالاخره بحث وکالت در حقوق عمومی

مربوط به مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و شورای اسلامی

است که محل اجتماع وکلاء و نمایندگان منتخب مردم هستند.

بحث اول مقررات وکالت

تعریف وکالت: ماده ۶۵۶ م. ک.و.د. (وکالت عقدی است که بموجب

آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود قرار

می دهد). از لحاظ لغوی وکالت به معنی واگذاری کردن و تفویض کردن

می باشد. عقد وکالت مثل هر عقد دیگری دو طرفه دلزد، طرف ایجاب

(مؤکل) و طرف قبول (وکیل) است. موضوع عقد هم همان مورد وکالت

است. همانگونه که ماده ۶۵۶ م. ک.و.د. بیان داشته (وکالت ایجاباً و قبولاً

و به مفعولی و فعلی که دلالت بر آن کند واقع می شود).

غالب امور وکالت از نوع اعمال حکومتی و اداری است نه امور مالی از نوع

نویسنده: حبیب ساری، نقاشی و رانندگی

کسی به دیگری وکالت نکرده که به نیابت از او عمل کرده کند یا
را ندانگی کند، اما وکالت امر دود ~~که~~ که قبول او را بفرستد
حقوق او را از بانک دریافت کند، از دوا علیه او در دادگاه دفاع
کند و ظاهر آنست.

در حق وکالت: ماده ۶۷۰ ق.م.ا.م. می گوید: «در حق وکالت منوط به
به قبول وکیل است» و موضوعت باین مورد بحث را از جمله وکالت اینه است که
نیاز به قبول طرف مقابل دارد و بنا بر این اگر موکل و وکیل در یک دلب با هم باشند
با اتمام ایجاب یعنی واگذار کردن موضوع وکالت و نکست العمل وکیل با
قبول، مورد عقود وکالت تحقق می یابد یعنی قصد و رضای طرفین در یک
زمان با هم هم می شود

وکالت ففولی: وکالت ففولی به این معنی است که
یعنی شخصی بجای موکل، شخص دیگری را در انجام کاری وکیل کند

مرحوم دکتر هست اعمی تصریح نموده وکالت می تواند بطور ففولی واقع
شود و بنا بر این هرگاه کسی بدوره دلش حق توکیل از طرف دیگری به شخص
(در اکثر وکالت به غیر است)

وکالت در فروش خانه موکل را بدهد و او خانه را بفروشد مالک
می تواند وکالت را تنفیذ کند و یا بیع را اجازه دهد در هر دو فرض بیع

صلح است

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----

هفته ۴۲

ابتداء پیام تاریخی حضرت امام خمینی (ره) به گورباچف رهبر شوروی سابق (۱۳۶۷ هـ ش)

اندر حقوق آن امر ایست، که میانچه مالک وکالت را
تفخیز نماید، ملزم به پرداخت حق الوکاله وکیل مذکور
خواهد بود و میانچه بیع را تفخیز نماید، در حقیقت
وکالت را رد نموده است.

انواع وکالت:

عقد وکالت به اعتبار موضوع آن به دو نوع تقسیم می شود
وکالت مطلق و وکالت مقید. در این رابطه ماده ۶۶ ق.م.م.گ.د (وکالت
ممکن است مطلق و برای تمام امور موکل باشد یا مقید و برای امر
یا امور خاص)

بند اول وکالت مطلق

بسیار اتفاق می افتد که شخص به لحاظ است ز یاد و سیر و ناتوانی کسی

را که معمولاً از خوشحالی و بستگان است به وکالت مطلق و مطلقاً انتخاب
می کند تا تمامی امور او را از امر صحت اداره نماید و کالی که بدون

و قید و بند و شرط است تمام امور اداری و مالی موکل را در بر
می گیرد، یعنی موکل تمام اختیارات و اقتدارات خود را
به وکیل تعیین می کند تا او اقدام نماید.

با این وکالت مطلق وکیل می تواند اموال او را در صورت ضرورت
بفروشد، اموال دیگری را اگر لازم برای اداره باشد خریداری نماید،

اگر چه در این صورت نیز باید واجب الحفظه ۱۰٪ اگر در مواردی لازم به طرح دعوا یا
دفاع از طرح دعوا است شخص را وکیل بگیرد.

این قبیل شخصی اگر خود بر وانه وکالت دادگستری را داشته باشد
بیشتر من ترانه کلیه امور موکل در ارتباط با محاکم و دادسراها را
هم به عهده بگیرد یا به وکیل دادگستری وکالت دهد.

وکالت عقید:

وکالت عقید در مقابل حلقه قرمز گرفته یعنی صورتی که موکل
صور وکالت را مشخص و مجید می کند. وکیل هم باید فقط همان
صورت مجید تصویر را انجام دهد. فروش ملک یا ابطال آن و غیره انجمن
۱. باره داده مثل: ثبت کردن زمین، تفکیک اراضی، آماده کردن زمین
برای کشاورزی و وکالت در پرداخت و پرداخت وصول، اجرای صلح عقد،
و غیره این صور دیگر که مشخص به هر دلیلی صلاحیت من داند وکیل این
جانب او انجام دهد.

اگر موکل وکالت در فروش من دهد و بخواهد وکیل دیوانی ملک را هم
نریخت کند باید در وکالت تصریح نماید زیرا ماده ۶۶۵ م. ت. م. تصریح
نموده که وکالت در بیع وکالت در قبض (تسليم) نیست و اگر اینکه ترید و نقلی
دکالت بر آن کند در صورت اجاره داده هم هیچ طلبی صادق است.

یکشنبه



دی

۱۳۹۱/۱۰/۱۷

۲۳ صفر ۱۴۳۴

6 Jan. 2013

تفاوت رکالت طلاق و یتیم را بنویسید

یادداشت

یادداشت

موکل

طه

فریه اتوبیل

در روضه

میوه قند

وکیل از

اک راهم

و م نقرع

که قرینه طلق

است

یادداشت

هفته ۴۳

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

اجرای طرح استعماری حذف حجاب به توسط رضاخان (۱۳۱۴ ه. ش) /